



مقدمه ناشر

وقتی به لغت «جمع» فکر می‌کنید یاد چیا می‌افتید؟ احتمالاً قبل از همه یاد اون عمل ریاضی. خب، از همین‌جا شروع کنیم. اگه هزارتا سیب رو با هم جمع کنیم، چی می‌شه؟؟ می‌شه گفت هیچی! خب هزارتا سیب داریم دیگه و هر کدوم از این سیب‌ها چه کنار ۹۹۹ تا سیب دیگه باشه چه تنها باشه نه رنگش عوض می‌شه، نه طعمش، نه اندازه‌اش و نه هیچ ویژگی دیگه‌ایش. اگر از اون جمع جداشه شکست عشقی نمی‌خوره! هزارتا مهره شطرنج چی؟ اگه کنار هم جمعشون کنیم ویژگی جدیدی پیدا نمی‌کنن؟ مثلاً اسب‌ها می‌گن حالا که تعدادمون زیاد شد دیگه مهره شطرنج نباشیم و بریم گل کوچیک بازی کنیم؟! فک نکنم!

اما اگه هزارتا آدم هم جمع شن چی؟ هر آدمی کنار ۹۹۹ تایی دیگه، همونیه که تو تنهایی خودشه؟ حتماً نه! جمع، حتی در ریاضی‌وارترین شکل خودش، وقتی موضوعش انسان باشه به تفاوت اساسی پیدا می‌کنه. دیگه فقط یه عمل خشک ریاضی نیس، هویت پیدا می‌کنه، روح پیدا می‌کنه، قواعد و آداب پیدا می‌کنه و ...

آدمیزاد هر جا که پاش می‌رسه همه قوانین قبلی رو عوض می‌کنه. جناب «جمع» عزیز هم از این نوازش بی‌بهره نمونه. حالا چه باید کرد؟ قواعد جدیدی که به لطف ما آدم‌ها وارد مقوله «جمع» شده رو چه‌طور باید تدوین و تبیین و تشریح و تنظیم (و باقی کلمات بر وزنِ تفعیل!) کرد؟ به مدد علمی که به همین آدم‌ها مربوطه، علوم انسانی، جامعه‌شناسی پس این کتابو جدی تر بخون. تو به عنوان یک عالم علوم انسانی باید جمع انسانی رو، باید جامعه رو خوب بشناسی، تحلیلش کنی و برای بهتر شدنش راهکارهای درخشان ارائه بدی. منم این‌جا باید از یه جمع تلاشگر و باصفا تشکر کنم: مؤلفای حرفه‌ای و کاردرستمون خانم‌ها صالح‌نژاد و نعمتی که از جون و دل مایه گذاشتن، بچه‌های واحد تألیفمون خانم‌ها طاهری و آرانی و آقای سید سعید احمدپور و هم‌چنین از عزیزانمون تو واحد تولید که همه دست‌به‌دست هم دادن تا کتاب به بهترین شکل ممکن چاپ بشه.

BOOK BANK



مقدمه مؤلفان

پیش از آن که بالارفتن از نردبان موفقیت را آغاز کنید، مطمئن شوید که نردبان را به ساختمان مناسبی تکیه داده‌اید. در هر مرحله‌ای از زندگی برای نیل به اهداف خود، نیاز به انگیزه، تلاش و پشتکار داریم. یکی از بزرگان جمله‌ی زیبایی دارد با این مضمون که انگیزه مانند آتشیه در درون خود فرد. اگر فرد دیگری بخواد این آتش رو درون شما روشن کنه، شانس کمی برای شعله‌ور کردن اون داره. افراد با انگیزه موقع مواجهه با مشکلات و شکست‌ها، توقف نمی‌کنن و اجازه نمی‌دن محدودیت‌ها و کمبودها مانع رسیدن اونا به اهدافشون بشه. پس شرط اولین قدم اینه که انگیزه‌ی کافی برای درس‌خوندن داشته باشین. یادگیری مداوم هم حداقل شرط لازم برای موفقیت در هر زمینه‌ایه. استمرار در مطالعه و یادگیری، مطالب رو ملکه‌ی ذهن شما می‌کنه و اضطراب و استرس شب‌های امتحان و کنکور رو از شما دور می‌کنه. البته می‌دونین که یادگیری (نه حفظ کردن مطالب) نیاز به تلاش و پشتکار مداوم داره.

امسال برای شما از نظر تحصیلی، سال سرنوشت‌سازیه. در انتظار نتیجه‌ی ۱۲ سال مدرسه رفتن، اومدن و آموختن و امتحان دادن هستین. اولین توصیه در زمینه‌ی کسب نتیجه‌ی خوب اینه که کتابای درسی تون رو کامل و با دقت بخونین و در کنارش از کتابای کمک‌درسی استفاده کنین، نه برعکس. ما هم سعی کردیم تو این کتاب نردبون موفقیت شما باشیم.

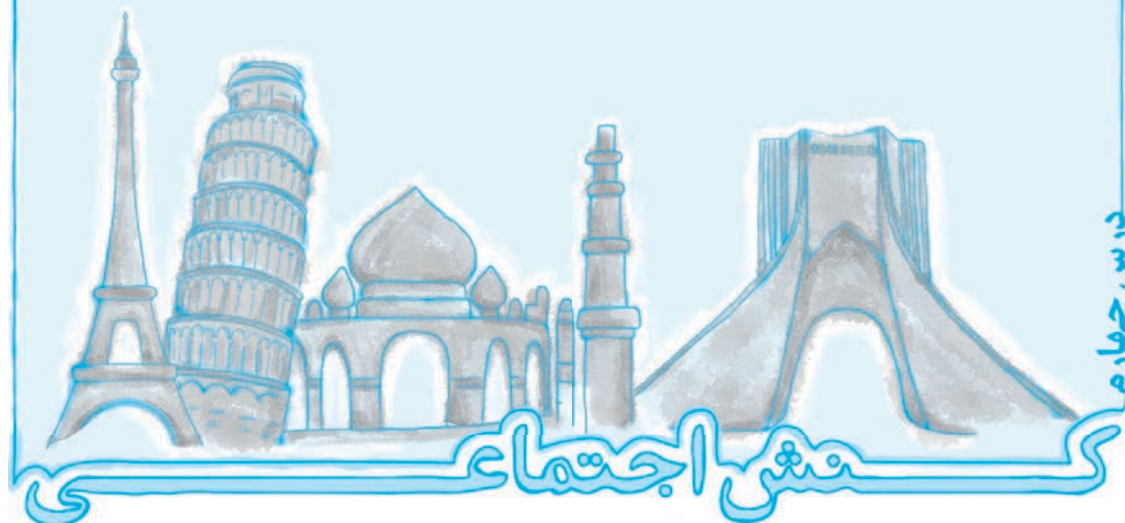
توصیه می‌کنم همه‌ی بخش‌های کتاب، یعنی درس‌نامه، تست و پاسخ رو بخونی و موقع رسیدن به هیچ بخشی گزینه‌ی skip رو انتخاب نکنی! درس‌نامه‌ها کامل و جامع نوشته شدن، یعنی هیچ مطلبی از کتاب درسی که قابلیت طرح سؤال داشته باشه، از قلم نیفتاده! باور نداری؟! پیدا کن، جایزه بگیر! هر جا مطلب کتاب درسی مبهم بوده، توضیح بیشتری برای فهم مطلب ارائه شده و گاه این توضیحات با زبون خودمونی گفته شده تا بهتر توی ذهنت بشینه! هر جا هم لازم بوده مثال‌هایی خارج از کتاب درسی (البته نه خیلی هم خارج)، ذکر شده تا به ابعاد گسترده‌تری از موضوع توجه کنی! کتاب درسی جدول و نمودار زیادی نداره، اما توی این کتاب تا دلت بخواد جدول و نمودار هست! چون هر چی مطالب رو با طبقه‌بندی بیشتری به ذهنت بسپاری، بهتر می‌تونی اونا رو به یاد بیاری! از درس‌نامه که بگذریم، تست‌هایی توی این کتاب هست که با تست‌های کنکور مو نمی‌زنه! کاملاً مشابه و هم‌جنس! واسه هر طیف از دانش‌آموزا هم تست وجود داره؛ از دانش‌آموزی که تصمیم داره فقط تست‌های ساده‌ی کنکور رو پاسخ بده تا دانش‌آموزی که به کم‌تر از پاسخ‌دادن صددرصدی به تست‌های جامعه‌شناسی کنکور راضی نمی‌شه! خیلی از تست‌ها هم دام و تله داره واسه این‌که از خلال اونا نکته‌های تست‌زنی جدیدی یاد بگیری، پس نمی‌گم بپا توی تله نیفتی، چون تا نیفتی، مطلب جدید یاد نمی‌گیری! این جاست که پاسخ‌های تشریحی می‌تونه کلی بهت کمک کنه! پاسخ‌های تشریحی رو نه فقط به چشم پاسخ، بلکه به چشم جمع‌بندی و مرور سریع هم نگاه کن و ازشون ساده نگذرا! پاسخ یکی دوتا درس رو که بخونی و ببینی چه قدر کامله، متوجه منظورم می‌شی! دیگه عرایض بنده تموم شد و می‌تونی از شنبه شروع کنی!



فهرست

درس نامه جامعه‌شناسی دهم

درس ۹	جهان دوقطبی	۸۴	درس ۱	کنش‌های ما	۸
درس ۱۰	جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی	۸۷	درس ۲	پدیده‌های اجتماعی	۱۰
درس ۱۱	بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی	۹۱	درس ۳	جهان اجتماعی	۱۳
درس ۱۲	بحران‌های معرفتی و معنوی	۹۳	درس ۴	اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی	۱۶
درس ۱۳	سرآغاز بیداری اسلامی	۹۶	درس ۵	جهان‌های اجتماعی	۲۰
درس ۱۴	انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف بیداری اسلامی	۹۹	درس ۶	پیامدهای جهان اجتماعی	۲۳
درس ۱۵	افق بیداری اسلامی	۱۰۲	درس ۷	ارزیابی جهان‌های اجتماعی	۲۷
درس نامه جامعه‌شناسی دوازدهم			درس ۸	هویت	۳۰
درس ۱	ذخیره دانشی	۱۰۹	درس ۹	بازتولید هویت اجتماعی	۳۴
درس ۲	علوم اجتماعی	۱۱۳	درس ۱۰	تغییرات هویت اجتماعی	۳۷
درس ۳	نظم اجتماعی	۱۱۷	درس ۱۱	تحولات هویتی جهان اجتماعی «علل درونی»	۴۰
درس ۴	کنش اجتماعی	۱۲۲	درس ۱۲	تحولات هویتی جهان اجتماعی «علل بیرونی»	۴۳
درس ۵	معنای زندگی	۱۲۶	درس ۱۳	هویت ایرانی (۱) «هویت فرهنگی ایرانی»	۴۶
درس ۶	قدرت اجتماعی	۱۳۰	درس ۱۴	هویت ایرانی (۲) «درس آزاد»	-
درس ۷	نابرابری اجتماعی	۱۳۸	درس ۱۵	هویت ایرانی (۳) «هویت سیاسی ایران»	۴۸
درس ۸	سیاست هویت	۱۴۶	درس ۱۶	هویت ایرانی (۴) «هویت جمعیتی و اقتصادی ایران»	۵۳
درس ۹	پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام	۱۵۲	درس نامه جامعه‌شناسی یازدهم		
درس ۱۰	افق علوم اجتماعی در جهان اسلام	۱۵۷	درس ۱	جهان فرهنگی	۵۹
پرسش‌های چهارگزینه‌ای دهم		۱۶۳	درس ۲	فرهنگ جهانی	۶۱
پرسش‌های چهارگزینه‌ای یازدهم		۲۱۵	درس ۳	نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱)	۶۴
پرسش‌های چهارگزینه‌ای دوازدهم		۲۷۹	درس ۴	نمونه‌های فرهنگ جهانی (۲)	۶۷
آزمون‌های جامع		۳۱۸	درس ۵	باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب	۷۰
پاسخنامه تشریحی		۳۶۰	درس ۶	چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب	۷۳
پاسخنامه کلیدی		۴۴۷	درس ۷	جامعه جهانی	۷۷
			درس ۸	تحولات نظام جهانی	۸۰



قبل از هر پی، به مثال تاریخی درباره مقاومت مردم عراق در برابر حمله داعش می‌فهمیم و بعداً خودت می‌فهمی که ربطش به جامعه‌شناسی و این درس پیه! اواخر سال ۱۳۹۲، داعش ظرف یک روز موصل (مرکز استان نینوا در عراق) را اشغال کرد و آن را به عنوان پایتخت حکومت خود معرفی نمود. سپس با ارتشی حدود ۲۰۰ هزار نفر به سوی استان صلاح‌الدین هجوم برد و در مدت کوتاهی آن را نیز تصرف کرد. داعش در تدارک جشن پیروزی بود که خبر رسید یکی از شهرهای کوچک این استان به نام «آمرلی» با ۲۰ هزار نفر جمعیت، در برابر داعش مقاومت می‌کند. بنابراین داعش آب و برق شهر آمرلی را قطع کرد و مسیرهای ارسال غذا و دارو به این شهر را بست؛ اما مردم آمرلی قصد داشتند با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و فرهنگی خود و برخلاف نظم و نظریات معمول، در برابر ۲۰۰ هزار داعشی بایستند. مردم آمرلی، با کم‌ترین نیرو و امکانات نظامی، ۸۰ روز مقاومت کردند تا این که گروه‌های مقاومت عراق خود را به این شهر رساندند و حصر آمرلی شکسته شد.

نکته الگوی مقاومت آمرلی، نظامی نبود، بلکه کاملاً فرهنگی بود؛ زیرا مردمان این شهر، گرچه سرباز نبودند، ولی متعهد بودند. انتشار خبر پیروزی آمرلی برای داعش بسیار گران تمام شد؛ زیرا دیگر شهرهای عراق نیز با همین الگو، در برابر داعش ایستادند و سه سال بعد موصل آزاد شد. از مثال بالا می‌فهمیم که دو نوع مبارزه داریم:

مبارزه نظامی (جنگ منظم)	همونی که سربازهای مہیور (نه داوطلب) انجام می‌دن و از نظم مشخصی پیروی می‌کند.
جنگ‌های نامنظم ^۱	مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان داوطلب محلی یک منطقه است.

در جنگ‌های نامنظم، سربازان داوطلب محلی

- ۱ قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند. دشمن گرم!
 - ۲ به جای اجرای نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده، متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود، عمل می‌کنند.
 - ۳ به خاطر انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنوی خود، توانی فراتر از نظم موجود به دست می‌آورند.
- پس تفاوت جنگ نامنظم با مبارزه نظامی در اینه که:

مبارزه نظامی	از نظم متداول و موجود پیروی می‌کند.
جنگ نامنظم	از نظم ظاهری متداول فراتر می‌رود و با ارزش‌ها و معانی پیوند می‌خورد.

علی‌الغالب تا این‌جا رو داشته باش؛ بعداً دوباره بوش برمی‌گردیم!

کنش اجتماعی؛ خشت بنای جامعه

آموختیم که در هر جامعه، نظم و مناسباتی وجود دارد که حاکم بر افراد است و به عملکرد و اقدامات اعضای جامعه شکل می‌دهد. پرسش میزان تسلط و تعیین‌کنندگی نظم و مناسبات اجتماعی تا کجاست؟ آیا ساختارهای اجتماعی، کاملاً مسلط بر انسان‌ها هستند و سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کنند؟

پاسخ در این‌جا دو دیدگاه مطرح می‌شود:

دیدگاه اول | سرنوشت انسان‌ها توسط ساختارهای اجتماعی تعیین می‌شود و افراد فاقد هرگونه قدرت مقاومت در برابر مناسبات اجتماعی و ایجاد تغییر در آن‌ها هستند.

دیدگاه دوم | انسان‌ها عضوی از جامعه هستند و با کنش‌های اجتماعی خود می‌توانند در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثرگذار باشند.

پهن ما دیدگاه اول رو قبول نداریم، می‌ذاریمش کنار و در ادامه دیدگاه دوم رو بیشتر توضیح می‌دیم!

کنش اجتماعی، خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان، با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند. ساختارهای اجتماعی، هر چه قدر هم جاافتاده و باسابقه باشند، با کنش‌های افراد به وجود آمده‌اند و برقرارند.

۱- نخستین بار، شهید مصطفی چمران، اصطلاح «جنگ‌های نامنظم» را به کار برد و روش‌های ویژه‌ای را برای آن ابداع کرد.

مثال ۱ یک واردکننده لوازم خانگی، سروکار زیادی با اداره‌هایی مانند گمرک و دارایی دارد و تلاش می‌کند تا کار خود را در این اداره‌ها به ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن، پیش ببرد. بنابراین با برخی مسئولان و کارکنان این اداره‌ها، روابط دوستانه برقرار کرده و گاهی به آن‌ها هدایای چشمگیری می‌دهد. (مدیونی آگه فکر کنی منظور رشوه و زیرمیزیه! فقط به هدیه ناقابله!) البته او خود نیز از این امر رضایت چندانی ندارد، اما آن را تنها راه پیشبرد کارهایش می‌داند (یعنی نه این‌که وهدان نداشته باشه‌ها؛ ولی ترییح می‌ده زیاد پیدارش کنه!)؛ چرا که به نظر او کار در نظام اداری کشور فقط با پرداخت رشوه و برقراری رابطه انجام می‌شود.

مثال ۲ منزل کارمند باسابقه یکی از ادارات دولتی شهر تهران تا اداره محل کارش فاصله زیادی دارد و اگرچه او می‌تواند با مترو یا اتوبوس تندرو به محل کار برود، اما اغلب ترجیح می‌دهد از ماشین شخصی خود استفاده کند، چون تحمل معطلی و شلوغی را ندارد. او از ترافیک سنگین خیابان‌ها و آلودگی هوا کله دارد و معتقد است مسئولان به درستی به وظایف خود عمل نمی‌کنند و برای همین، این مشکلات سال‌هاست که حل نشده باقی مانده‌اند. (البته به نظر من که بی‌فود شاکیه! فودش یکی از عوامل اصلی حل نشدن این مسئله! هم فودش و هم همه اونایی که مثل اون فکر می‌کنن و ماشین تک سر نشین میارن توی خیابون! البته مسئولها هم مقصر نه‌ها؛ چون به اندازه کافی جریمه شون نمی‌کنن!)
 تماماً می‌پرسی از دو تا مثال بالا قراره چه نتیجه‌ای بگیریم؟ این نتیجه رو؛

نظام اداری کشور ما، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای کنشگران ایجاد می‌کند و نارسایی‌ها و آسیب‌هایی نیز دارد؛ اما باید توجه داشت که این نظام اداری، محصول کنش‌های مدیران، کارکنان، قانون‌گذاران و مراجعان است.

یعنی این نظام اداری رو ما آدم‌ها با رفتارها و کنش‌های فودمون به وجود میاریم و آگه کنش‌های ما نباشه، نظام اداری هم در کار نفوادمه بود! اما وقتی این نظام به وجود اومد، دیگه مستقل از ما و اسه فودش به هویت پیدا می‌کنه که وابسته به اراده تک‌تک ما نیست! مثلاً درسته که منم که منم توی ایجاد اون یه سهمی داشتم، اما آگه الان اراده کنم، به تنهایی نمی‌تونم از بین ببرمش! هر چند هر کدوم از ما می‌تونیم توی تغییر اون نقش داشته باشیم! روشنه؟!
 حالا با این توضیحات، می‌ریم ببینیم هر کدوم از این آقایون تا هر و کارمند در تغییر سافتارهای اجتماعی، چه نقشی می‌تونن داشته باشن؟!

مثال ۱ آقای تاجر واردکننده لوازم خانگی، به عنوان یک واردکننده کالا یا پرداخت‌کننده مالیات، فردی بیرون از این نظام اداری نیست، بلکه خود عضوی از آن است و با اقدامات و کنش‌های خود می‌تواند:

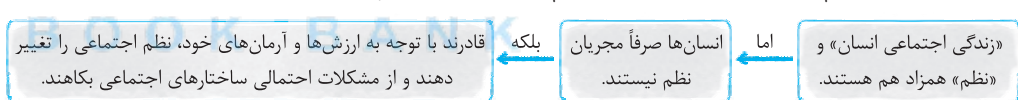
در تداوم و تثبیت نظام اداری موجود نقش داشته باشد. | اگر به برقراری روابط دوستانه با کارمندان گمرک و پرداخت رشوه ادامه دهد.

موجب تغییر و تحول در نظام اداری شود. | اگر از پرداخت رشوه برای پیشبرد کار خود منصرف شود و دیگران را نیز به این امر تشویق کند.^۱

مثال ۲ آقای کارمند نیز با استفاده از ماشین شخصی خود در تداوم ترافیک شهری و آلودگی هوا سهیم است و اگر از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کند، می‌تواند در حل این مشکلات مؤثر باشد.

نتیجه مثال‌های فوق نشان می‌دهند که مشکلات و مسائل اجتماعی، بیرون از دایره نفوذ و تأثیر ما نیستند و این‌گونه نیست که فقط افراد خاصی (مانند مسئولان و مدیران) بتوانند بر آن‌ها تأثیر بگذارند.^۲

نکته همه ما - به عنوان عضوی از جامعه - با کنش‌های اجتماعی خود در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثرگذار هستیم. البته این امر بدان معنا نیست که میزان تأثیرگذاری همه افراد یکسان است. (یعنی ساهبان برقی مشاغل و مسئولیت‌ها، اثرگذاری بیشتری نسبت به سایرین دارند؛ مثلاً مثل روز روشنه که من به اندازه وزیر دادگستری نمی‌تونم به حل مشکل فساد اداری کمک کنم یا تو به اندازه رئیس پلیس تهران نمی‌تونم مشکل ترافیک رو حل کنی!)



به هر میزان که این ارزش‌ها و آرمان‌ها والاتر و انگیزه‌ها قوی‌تر باشد، تغییرات مهم‌تری رقم خواهد خورد. یعنی ممکن است تاجر (در مثال ۱)، مشکلات زیادی را تحمل کند، اما در راستای حفظ منافع اقتصادی خود، انگیزه زیادی برای تغییر وضع موجود نداشته باشد یا کارمند (در مثال ۲)، ممکن است با مشکلات شهری متعددی مواجه باشد، اما برای حل آن‌ها هیچ اقدامی نکند. در مقابل، ممکن است عموم مردم چنان انگیزه‌ای پیدا کنند که آغازگر حل یک بحران جهانی شوند، آن‌گونه که مقاومت مردم امرلی سرآغاز فروپاشی حکومت خودخوانده داعش شد و این چنین است که اون مثال داعشی اول درس، به مباحث جامعه‌شناسانه مطرح شده در این باره ربط پیدا می‌کنه! پالاب بود، نه؟!



در دهه ۱۹۸۰، حجاب در مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات دولتی ترکیه ممنوع اعلام شد. دانشجویان ترکیه، پوشی علیه این قانون به راه انداختند و شکایت خود را به دادگاه‌های ترکیه بردند.

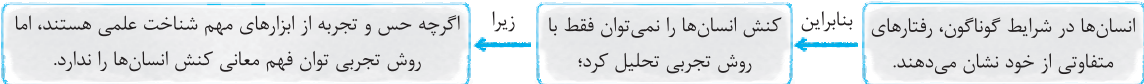


حکومت ترکیه با تأیید نفوذ اسلام در جامعه و با هدف ایجاد نوعی مذهب که مورد تأیید حکومت باشد و اصول سکولار را تهدید نکند، مدارس امام خطیب را بنا کرد، اما از سال ۱۹۷۰ این مدارس به پناهگاهی برای اسلام‌گراها تبدیل شدند.

۱- پس بزار همین‌ها منظور از فرصت و مصدوریت رو هم برات بگم؛ توی نظام اداری فاسد که فرد باید رشوه بده تا کارش راه بیفته، رشوه‌دارن به فرصته واسه اون‌ها که رشوه می‌دن و به مصدوریت واسه اون‌ها که اهلتش نیستن! اما حالا آگه همین فردی که رشوه می‌ده، توبه کنه و تصمیم بگیره دیگه رشوه نده، کارش پیش نمی‌ره و فب این واسش به مصدوریت، اما آگه دیگران رو هم تشویق کنه که اون‌ها هم رشوه نرن، کم‌کم مملکت فساد توی اون اداره از بین بره و این فودش می‌شه به فرصت میدره که به موجب اون، کارش بدون رشوه پیش می‌ره! می‌بینی فرصت‌ها و مصدوریت‌ها مثل دونه‌های زنبیره چه قدر به هم وابسته هستن؟!
 ۲- البته! هدف از طرح اون دو تا مثال (یعنی آقایون تا هر و کارمند)، این بود که ببینیم دیگه دو م درباره نقش نظم و مناسبات اجتماعی در تعیین سرنوشت آدم‌ها درسته؛ یعنی فود آدم‌ها هم توی اتفاقاتی که در جامعه براشون میفته سهمی هستن و سافتارهای اجتماعی به صورت پیری روی زندگی آدم‌ها اثر نمی‌دارن!

پیامدهای نادیده گرفتن کنش اجتماعی

تا حالا فکر کردی چرا همه آب‌های دنیا همیشه توی صد درجه به جوش میان، اما ما آدما نقطه جوش متفاوتی داریم؟ مثلاً یکی زود جوش میاره و زود عصبانی می‌شه، اما یکی خیلی صبور و بی‌خیاله و دنیا رو آب‌بیره، اون رو فوایب می‌بیره؟! دلیلش به تفاوت مهم آدم‌ها با اشیا و سایر پدیده‌های طبیعیه! انسان‌ها، برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است؛ یعنی:



مثال فرض کنید بحث شما با دوستان بالا بگیرد؛ او عصبانی شده و می‌خواهد با شما درگیر شود. شما در چنین موقعیتی چه انتخاب‌هایی دارید؟ می‌توانید لبخندی به دوستان بزنید، محیط را ترک کنید یا خود را سرگرم کار دیگری نمایید؛ با دوست دیگری گفت‌وگو کنید، از کیفیتان کتابی بیرون بیاورید و مشغول مطالعه شوید، به موبایلتان نگاهی بیندازید، به کنار پنجره رفته و خود را به بی‌خیالی بزنید و البته می‌توانید با او درگیر شده و حتی به زد و خورد بپردازید. این آفری رو من یکی توصیه نمی‌کنم! اما نکته مهم اینه که هر کدوم از این گزینه‌ها رو که انتخاب کنی و هر رفتاری که از خودت بروز بدی، به معنای خاص داره که با روش‌های علمی و تجربی نمی‌شه اونو فهمید!

همه انتخاب‌هایی که در موقعیت‌های مختلف، پیش روی شما قرار دارد، کنش اجتماعی محسوب می‌شوند؛ یعنی فعالیت معناداری که با توجه به دیگری انجام می‌شود.

در انتخاب نوع رفتار (کنش اجتماعی) باید پیامدهای آن را نیز در نظر گرفت. (مثلاً آگه‌گزینگی گلاویزشدن و زد و خورد رو انتقابت کنی، انگار که فربزه فوردی و باید پای لرز اون که رفتن به داگه و میازات شده هم بشینی!)

نکته گفتیم که عمل انسان، آگاهانه و معنادار است؛ اما رویکرد تبیینی با تمرکز بر آنچه مشاهده می‌شود، اغلب «معنای» کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد.

حالا باید بریم کشف کنیم که این نادیده گرفتن کنش چه پیامدهایی برای زندگی اجتماعی انسان داره؟! براساس تعریف کنش، سه پیامد نادیده گرفتن کنش اجتماعی عبارت‌اند از: (اول) خودمونیش رو می‌گم بعد می‌رم سراغ بحث علمیش!)

رکود اراده‌ها	وقتی اراده انسان که یکی از پایه‌های اساسی کنشه، نادیده گرفته بشه، دیگه فلاحیتی برا کسی می‌مونه؟ نه والا!
سقوط ارزش‌ها	هر کنش‌نی به هدفی داره و هدف بعضی کنش‌ها، ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقیه؛ مثلاً فداکاری، مهربونی و...؛ حالا آگه هدفدار بودن کنش انگار بشه، دیگه افلاقی و فضیلت‌های اخلاقی، بار و بندیشون رو می‌بندن و از جامعه می‌رن!
افول معانی	معنادار بودن یکی دیگه از ویژگی‌های کنشه، حالا آگه بگیم کنش‌ها معنا ندارن؛ یعنی رفتارها فقط اون چیزی هستن که ما می‌بینیم و معنایی پشتشون نیست، اون وقت نمی‌تونیم بفهمیم چرا هر فردی به یه شکل خاص و متفاوت از دیگران رفتار می‌کنه!

یه ویژگی دیگه کنش، آگاهانه بودن که ممکنه برات سؤال باشه چرا توی جدول بالا نمی‌بینیش! چون آگاهانه بودن، ارتباط فیلی نزدیکی به معنادار بودن داره، همون چیزایی که درباره معنای فوایب گفت، می‌تونه درباره آگاهی زدایی هم صادق باشه!

رکود اراده‌ها

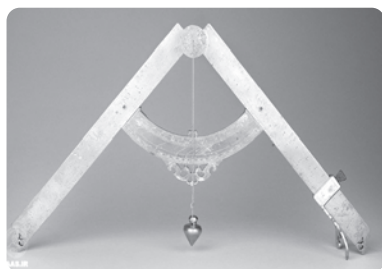
کنش اجتماعی، ارادی است؛ اما جامعه‌شناسی تبیینی، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرد؛ از طریق:

الف تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی

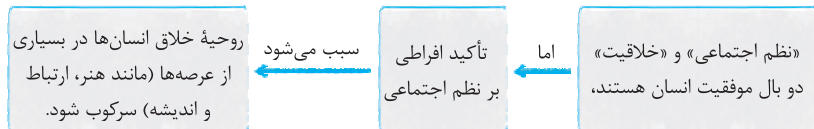
ب تأکید افراطی بر نظم اجتماعی

۱- به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آن که بدانند این نظم برای تحقق چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی است، آن را رعایت کنند.

۲- موجب سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها در بسیاری عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود.



یکی از ابزارهایی که گالیه برای رسم اشکال هندسی ساخت. او روش تجربی را در دورانی به کار گرفت که شهود تنها روش علمی قابل قبول بود. به این می‌گن فلاحیت!



اگر از نظم موجود گامی فراتر نهمیم، بزرگ رخ می‌دهند.

اگر بر نظم موجود به صورت افراطی تأکید کنیم،

نکته ماکس وبر از سلطه چنین نظمی (همون نظم افراطی!) که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد، به «قفس آهنین» تعبیر می‌کند.

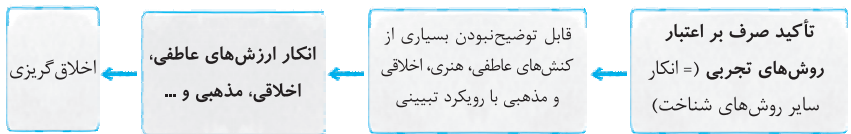
۱- آگه یادت باشه توی درس اول جامعه‌شناسی دهم فوندریم که همه اقدامات انسان (جز فعالیت‌های فیزیولوژیک بدن) کنش محسوب می‌شن؛ که تا ویترگن دارن (۱) آگاهانه بودن، (۲) ارادی بودن، (۳) هدفدار بودن، (۴) معنادار بودن؛ او توی درس دوم همون کتاب هم فوندریم همه اون کنش‌هایی که انسان در رابطه با دیگران انجام می‌ده (یعنی فقط به خود آدم ربط نداره و ناظر به بقیه هم هست)، «کنش اجتماعی» نام دارن!

سقوط ارزش‌ها



کنش اجتماعی، هدفدار است؛ برخی اهداف کنشگران (مانند کسب درآمد، ساختن خانه و ...) قابل مشاهده‌اند، ولی انسان‌ها اغلب در کنش‌هایشان به دنبال تحقق اهداف و ارزش‌هایی (مانند کسب فضیلت‌های اخلاقی، جلب رضایت الهی و ...) هستند که دیگران نمی‌توانند آن‌ها را مشاهده کنند. (مثلاً پیزی توی عالم فارغ و پود ندره که با دست نشون بدیم و بگیم این خداکاره یا مثلاً اونو ببین مهر بونه! بلکه این ارزش‌ها رو از روی نشونه‌ها و آثار نشون توی رفتار آزما می‌شه درک کرد و فهمید!) در جامعه‌شناسی تبیینی، ارزش بودن مهربانی، فداکاری و ... یا ضد ارزش بودن کینه‌توزی، خودخواهی و ... قابل مشاهده و فهم نیست؛ زیرا با استفاده از روش‌های تجربی نمی‌توان گفت مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه‌توزی یک رذیلت اخلاقی است.

اندازه‌گیری اجزای بدن در ایام جنگ جهانی دوم برای تعیین این که چه کسی از نژاد برتر برخوردار است و برگزاری جشنواره‌های زیبایی در روزگار ما، نشان‌دهنده تأکید افراطی بر امور قابل مشاهده‌اند.



مثال بزرگ‌ترین کشتار جهان در جنگ‌های جهانی اول و دوم میان توسعه‌یافته‌ترین کشورها رخ داد و با فجیع‌ترین کشتار تاریخ بشر در هیروشیما و ناکازاکی پایان یافت. دلیلش هم این بود که با انقلاب صنعتی و تأکید زیاد بر روش‌های تجربی و این که هر پی‌رو بشه با روش تجربی فهمید، ثوب و درسته و هر پی‌رو با روش تجربی نشه فهمید (مثل افلاقیات!)، باید کنار گذاشت و باهاشون فداها فطنی کرد؛ افلاق و فضیلت‌های افلاقی مثل صلح و دوستی به کلی رفعت توی گنجه و فراموش شد و دیگه هر کشوری فقط و فقط به منافع خودش فکر می‌کرد!

نکته پیشرفت‌های چشمگیر جهان غرب در حوزه صنعت و فضا به گسترده‌تر و عمیق‌تر شدن فجایع انسانی و زیست‌محیطی منجر شده است؛ مثلاً آگه آمار کشته‌های جنگ‌های جهانی رو با آمار کشته‌های حمله مغول به ایران مقایسه کنی، می‌بینی پیشرفت علم و صنعت چه قدر به نابودی بیشتر انسان‌ها کمک کرده! چون توی حمله مغول و جنگ تن‌به‌تن، هر سرباز مغول می‌تونست حداکثر ۵-۶ نفر باشه، اما به بمب اتم به تنهایی می‌تونه به شهر رو با خاک یکسان کنه!

افول معانی

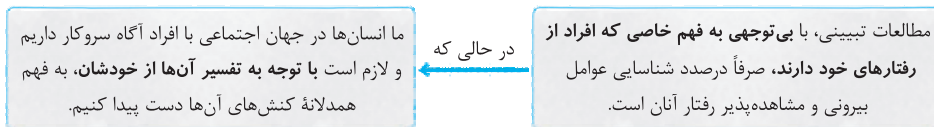
کنش اجتماعی، آگاهانه و معنادار است. نادیده گرفتن معنای کنش، سبب شده تا بیشتر مطالعات تبیینی، به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شود.

یه مثال برای فهم بهتر مطلب!

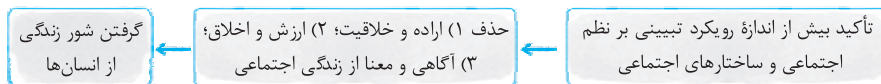
مطالعات تبیینی نشان داده‌اند که میان عواملی مانند میزان پرخاشگری، هیجان، خواب، تأهل و تحصیلات، با اعتیاد به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای، رابطه وجود دارد. دشمن هم گرم م! اما این فقط بیان یه رابطه همبستگی که از روی مشاهده رفتار آزما به دست اومده! مثلاً دیده شده اونایی که به اینترنت اعتیاد دارن، بیشتر از بقیه عصبانی می‌شن! اما آیا این همبستگی می‌تونه رابطه علت و معلولی رو هم نشون بده و مثلاً بگه اعتیاد به اینترنت علت اصلی پرفاشگریه یا برعکس، پرفاشگریه علت اعتیاد به اینترنته؟! معلومه که فیر؛ چون:

اگر تفسیرهای جوانان و نوجوانان را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که عامل اصلی گرایش آن‌ها به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای، معنای استفاده از این ابزار است. بیشتر جوانان و نوجوانان، استفاده هر چه بیشتر از آن‌ها را به روز بودن، سرگرمی، هیجان، آزادی و توانایی معنا می‌کنند. این قبیل معانی و انگیزه‌ها، عوامل اصلی حضور افراطی جوانان و نوجوانان در فضاهای مجازی است. اما برای فهم این معانی نمی‌توان از روش‌های تجربی استفاده کرد، بلکه باید همدلانه با جوانان همراه شد تا مسائل زندگی و آرزوهای آن‌ها را درک کرد و به آنان یاری رساند.

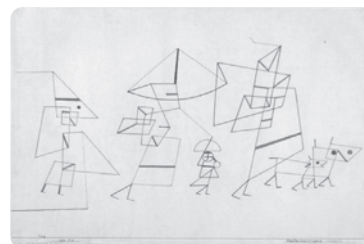
نکته همراهی همدلانه به معنای تأیید کنشگران نیست، بلکه به معنای نگاه به مسائل آن‌ها از منظر خودشان و تلاش برای فهم آن‌هاست.



نتیجه بحث



زرد، قرمز، آبی اثر واسیلی کاندینسکی، خالق نقاشی‌های مدرن انتزاعی. این نقاشی‌ها، تفاسیر عمیقی با خود دارند و چیزی که در ظاهر به نظر می‌رسد، نیستند. شکل‌ها و رنگ‌ها به واقعیتی مشخص بیرون از ذهن اشاره ندارند.



گردش خواندگی اثر پاول کله. به گفته او در ورای ابهام، رمز و رازی نهفته است که با هنر می‌توان به آن راه یافت.

۱- فضای مجازی واجد معنای «به روز بودن» است، ولی سبب می‌شود که فرد کاربر از زمان و مکان خودش جدا شود و با وجود دسترسی به مطالب زیاد و متنوع، از دسترسی به مطالب مهم دیگر محروم گردد، با وجود آزادی و قدرت، تحت کنترل قرار گیرد و با وجود سرگرم شدن، سطحی شود.